

ضمیمه طلاق بریتانیا از اتحادیه اروپا

امیرفیض- حقوقدان

تحریر طلاق بریتانیا از اتحادیه اروپا یک کسری داشت و آن موقعیت و سهم ایران در طلاق مزبور است و اینکه طلاق وجدائی بریتانیا از اتحادیه اروپا حتی پی آمد های آن و در مجموع سقوط احتمالی قدرت بریتانیا چه تاثیری در موقعیت جمهوری ایران میتواند داشته باشد، لازمه مبتدا و خبرتحریر طلاق بریتانیا میتواند شناخته شود.

ماهیت سیاست بریتانیا در ایران

ماهیت سیاست بریتانیا در ایران از سالهای نخست (سال ۱۸۰۰) سیاست نفوذ بر شخصیت های اداری و سیاسی ایران نبوده و بیشتر متمرکز بر نفوذ و هواداری از روحانیون و فنودالهای ایران بوده است، و نفوذ بریتانیا در دربار و یا شخصیت های اداری منتبع روحانیون و مراجع تقلید صورت میگرفته است و این درست خلاف ماهیت سیاست آمریکا در ایران و یا کشورهای اسلامی است که از طریق نفوذ بر شخصیت ها و روشنفکران اهداف سیاسی کشورشان را به پیش میبرند.

این بدان معنا نیست که بریتانیا به روشنفکران ایران بی توجه بوده، خیر بسیار هم بوده ولی بریتانیا میدانست که در فرهنگ تشیع حاکم بر جامعه آنروز ایران روشنفکر همان طبقه روحانیون بودند نه افراد غیر آن طبقه.

بریتانیا تنها پایگاهی است که از رهبران تمامی ادیان و مذاهب کشورها حمایت و به آئین آنها احترام میگذارد و در واقع تنها پایگاه سیاسی است که به حمایت از مذاهب شناخته میشود.

روحانیون و رهبران مذهبی کشورها از جمله ایران بهیچوجه مترصد مقام سیاسی بریتانیا و اینکه رهبری ۵۳ کشور را دارد (کشورهای مشترک المنافع) نیستند؛ آنها فقط به توجه و حمایت از دین و مذهب و خودشان از جانب انگلستان اهمیت میدهند و البته بریتانیا هم میداند که بی مایه فطیر است و علاوه بر تائید باورهای مذهبی و احترام به مراسم شرم آور آنها از نظر مالی هم به آنها میرسد و هم تحت عناوین مختلف از جمله موقوفه اوود مقرری مناسبی برای آنها مقرر ساخته است.

در جامعه اسلامی تشیع که هرچه مرجع تقلید بگوید وحی منزل است و دولت و ارتش و رئیس کشور تابع همان نظر مرجع هستند چه لزومی دارد که بریتانیا برای نفوذ سیاسی در ایران به روشنفکران و حزب و شخصیت های دولتی متوسل شود و آنها را بخرد، به سراغ مراجع میرود که رفته است و آنچه که میخواهد از طرف و بنام فتوا در جامعه ایران روان میسازد. که هر بار در قرون گذشته روان ساخته است.

*** در انقلاب مشروطیت؛ بریتانیا برای متوقف کردن فکر آزادی خواهی و ترقی خواهی که بسرعت و بشدت به حرکت در آمده بود، به سراغ مراجع تقلید رفت و از آن طریق مشروعه را به مشروطیت قالب ساخت و برعکس انگلیسیها، روسها به سراغ محمد علیشاه و دولتیان رفتند.

توضیح = در طول مشروطیت تا شورش ۵۷ گرچه مشروعیّت در قانون اساسی مشروطیت وجود داشت ولی در اجرا اثری از آن وجود نداشت و علیرغم خواست بریتانیا، تداوم اجرائی قانون اساسی در ماهیت و صورت آن کاملاً مشروطه و با رعایت جدائی دین از سیاست و حکومت جریان داشت. (پایان).

**** در شورش ۵۷ بریتانیا با توسل به طبقه روحانیت، دست آمریکا را از ایران کوتاه ساخت. بریتانیا نه تنها در ایران بلکه در تمامی کشورهای مذهبی جهان در پدیده های مذهبی و گرایشهای آن خود را شریک و متولی اصلی میداند. بریتانیا باتبعیت از همین سیاست است که توانسته بر هندوستان که بنام کشور ۱۰۰۰ مذهب معرفی شده نفوذ سیاسی خودش را حفظ کند و قلاده مشترک المنافع رابه گردن یک میلیارد هندی گره بزند، آنهم با آن کشتارهای بی امان و راه انداختن قحطی هایی که میلیونها هندی کشته شدند.**

دو خدمت بزرگسته بریتانیا به روحانیت تشیع

**** در سال ۱۹۱۷ دولت بریتانیا برای اولین بار دستورات و فتاوی مرجع شیعیان عراق را بر رسمیت شناخت؛ این زمان آیت الله یزدی مرجع شیعیان بود که بریتانیا دین بزرگی به گردن روحانیت شیعه بدست آورد زیرا تا قبل از آن علمای شیعه ناچار به تبعیت و نظر جویی از علمای اهل سنت در مورد فتاوی خویش بودند.**

**** مرحله دوم زمان شاهنشاه ایران بود که دانشگاه الازهر مصر تصمیم گرفت که شیعه را از ردیف مذاهب اسلامی خارج سازد که انگلیسیها به استمداد از روحانیت شیعه برآمد و بنا بر درخواست سید کاظم شریعتمداری از شاهنشاه ایران سبب حفظ موقعیت تشیع گردید و دانشگاه الازهر به توصیه شاهنشاه احترام و فسخ تصمیم کرد.**

دلیل این تحریر

دلیل اینکه بریتانیا همواره در سیاست استعماری خود متکی به طبقه آخوند و روحانیت است گواهی و شهادت لرد ویول وزیر امور خارجه دولت بریتانیا در سال ۱۹۴۱ است که گفته:

> در ایران علاوه بر نیروها و سازمان های سیاسی و اقتصادی یک سازمان موثر و کاملاً متنفذ دیگر هم هست که از تمام منابع دیگر قدرت در این کشور قویتر و از نظر ما مورد اعتماد تر است و آن روحانیون شیعه است که از سالهای طولانی در ایران نقش بنیادی و کار ساز داشته است و خوشبختانه مادر میان آنها دوستان خوب و نزدیکی داشته ایم و داریم. این نیرو میتواند دو برابر کار آمد باشد و هر وقت لازم بشود حتی بر نیروهای دیگر مانند دربار و دولت و ارتش اثر بگذارد و با سلاح مذهب و جهاد، هر مشکلی را حل کند. مهم آن است که توقعات آنها هم از ما زیاد نیست. هر وقت لازم باشد میتوانیم آنها را وارد صحنه کنیم و هر وقت هم مقتضی باشد به آسانی ساکت و خانه نشین سازیم.<

(کتاب توضیح المسائل آقای شفا و کتاب اسرار و عوامل سقوط ایران)

اکنون به شهادت دیگری که موقعیت نفوذی آمریکا را بیان میکند توجه فرمائید.

شهادت مشاور امنیت ملی آمریکا

مشاور امنیت ملی آمریکا در زمان بوش گفت: <در ایران روشنفکرانی هستند که هرچه ما بگوئیم آنها عمل میکنند؛ همانند تفنگ هرچه را اشاره کنیم نشانه میگیرند<

(سنگر ۱۵ مرداد سال ۸۲)

شهادت دیگر

آقای تونی بلینکن معاون آقای کری وزیر امور خارجه آمریکا در امور سیاسی روز دوم اسفند (۲۱ فوریه) سال جاری در مصاحبه از شبکه تلویزیونی بلومبرگ؛ تیم مذاکره کننده هسته ای ایران را یک جریان دنباله رو خوانده که به شدت به تعمیق روابط و همکاری با آمریکا است.

وجه مشترک سیاست آمریکا و انگلیس

همانطور که بریتانیا از بودجه های خاصی مانند موقوفه اوود به عوامل خود در روحانیت شیعه کمک میکنند آمریکا هم علنا با تصویب بودجه های سنگین آنها به کرات به عوامل و تیراندازان خود در ایران کمک مالی میکند در این مورد علاوه بر اسناد و مصوبه های کنگره، شهادت یکی از عوامل ایرانی آمریکا (عباس فخرآور) هم شنیدنی است.

فخرآور در مصاحبه تلویزیونی در عبارت با اجازه بزرگترها گفت: <همیشه آمریکا تکه گوشتهایی جلوی اصلاح طلبان و غیر آنها می اندازد و در عوض چیزهایی هم میخاهد>؛ وی افزود <تمام طیف اصلاح طلبان و همه ما مزدور آمریکا هستیم و از پول آمریکا حقوق میگیریم>.

موقعیت سیاسی جمهوری اسلامی

در این تحریر آمد که با جدایی بریتانیا از اتحادیه اروپا و حتی جدایی اسکاتلند و ایرلند در رابطه مودت و پیوند همکاری و حمایت متقابل بین بریتانیا و ملاحای ایران دستخوش تغییراتی نمیشود و اساسا سیاست بریتانیا نسبت به جوامع مذهبی کشورها در ارتباط با ملکه انگلستان است نه دولت آن کشور.

ولی از آنجا که خلاء حاصل از دگرگونی های بریتانیا بوسیله آمریکا تسخیر و تصرف خواهد شد لذا قدرتمندی آمریکا و نشست آن در روابط ایران و آمریکا ممکن است سبب قدرتمندی عوامل آمریکا در ایران گردد.